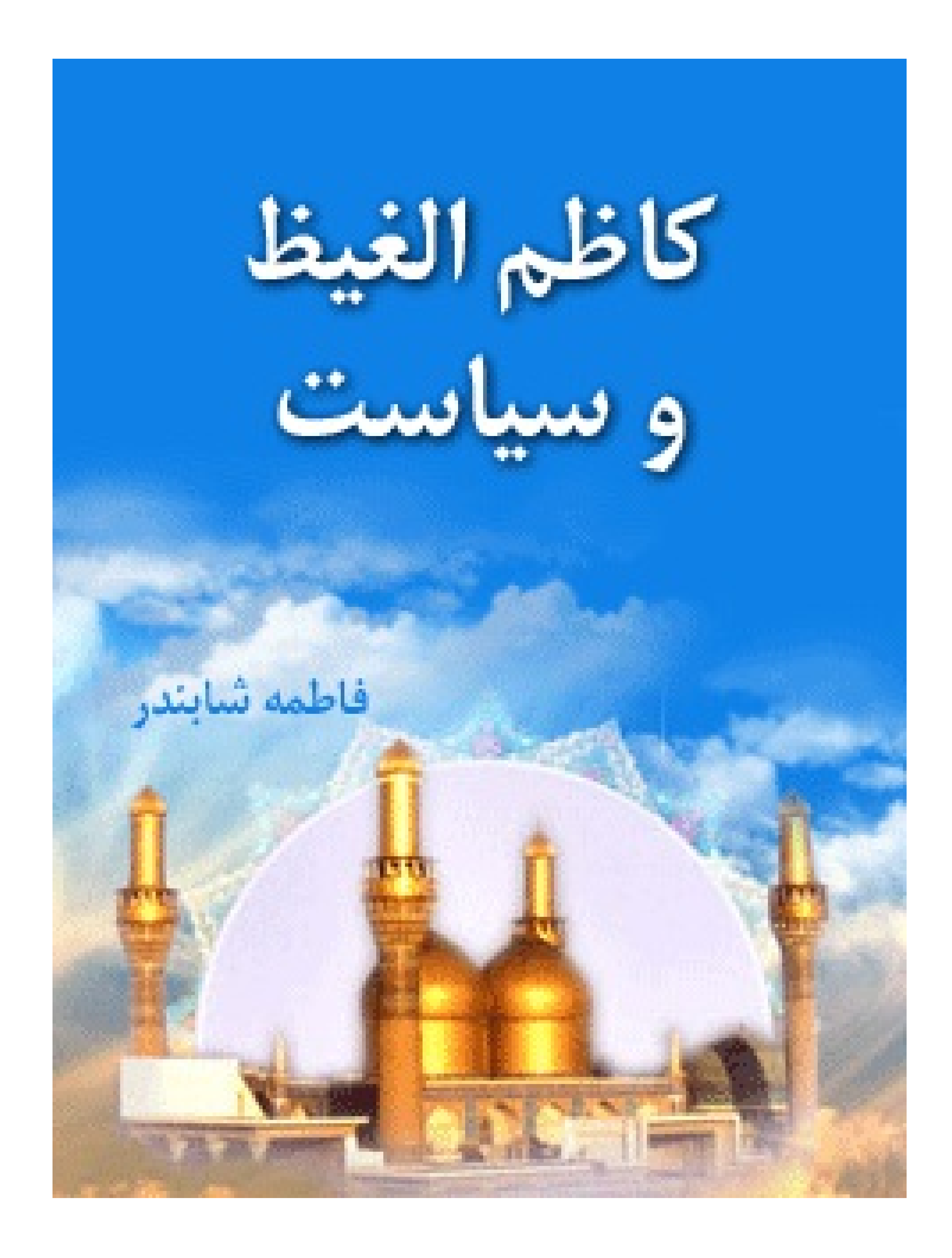

کاظم الغیظ
و سیاست
فاطمه شابندر


بسم الله الرحمن الرحیم

کاظم الغیظ و سیاست

نویسنده:

فاطمه شابندر

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کاظم الغیظ و سیاست

مشخصات کتاب

مؤلف: فاطمه شابندر
برگرفته از:
مترجم: سهیر مطیعی

ولادت

امام موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب: در هفتم صفر ۱۲۸ ه. ق در زمان خلافت حاکم ستمکار اموی؛ مروان بن حکم در شهر أبواء دیده به عالم گشود و جهان را به نور خویش روشن ساخت. مادر گرامی ایشان حمیده دختر صاعد بربری است که از طرف امام باقر (ع) به المصفاهٔ من الأدناس؛ صاف و پاک شده از پلیدی ها لقب گرفت امام صادق (ع) درباره‌ی این بانوی گرامی فرمود: المصفّاهٔ من الأدناس کسبیکهٔ الذهب...؛ یعنی پاک و صاف شده از پلیدیها و آلودگی ها مانند شمش طلا است، و همواره فرشتگان او را نگهبانی می کردند تا او برای من کرامتی از طرف خداوند به ارمغان آورد که حجّت خدا بعد از من شد. [۱] در واقع امام صادق (ع) در این روایت به حجّت خدا بعد از خویش تصریح فرموده است. امام کاظم (ع) نوزده سال با پدر گرامی خویش زندگی کرد.

القاب امام کاظم

العبد الصالح؛ بنده صالح، این لقب به جهت شایستگی عبادت و اجتهاد اوست. الوفی؛ با وفا، به علّت این که او با وفاترین بنده به خدای متعال پس از پدر گرامی اش بود. الصابر؛ صبر کننده، از آن رو که در برابر دردها و پیش آمدهای ناگوار صبر پیشه کرد و در راه خدا استقامت ورزید. الکاظم؛ بازدارنده‌ی خشم، و آن به سبب سکوت و بردباری اش در قبال خشم شدید ستمکاران بود. أمین؛ بر امانت داری او در امور دین گواهی می دهد و باب الحوایج است؛ یعنی راه و طریق وسیله ای که بندگان برای رسیدن به حاجت ها و حل گرفتاری ها از او مدد می گیرند. آری هرگاه با اندوه و گرفتاری به درگاه خداوند تضرّع و سؤال کند، و او را به واسطه‌ی امام هفتم (ع) ـ با یکی از القاب حضرتش ـ بخواند، به یقین خداوند متعال درد و گرفتاری اش را خواهد گشود. [۲] .

کنیه های حضرت

به تحقیق القاب و کنیه های زیادی به امام موسی بن جعفر (ع) اختصاص یافته است؛ چرا که در زمان حضرت تقیه به اوج خود رسید و شیعیان به امام القاب و کنیه های گوناگون نسبت دادند، و هرگاه جاسوسان حکومتی از آن آگاه می شدند، شیعیان آن نشانه و علامت را تغییر می دادند؛ از این رو در روایات به ندرت نام شریف امام (ع) تصریح شده است. از جمله کنیه های معروف امام موسی کاظم (ع) می توان به موارد: ابوالحسن اوّل، ابوالحسن الماضی، أباعلی، ابواسماعیل و ابوابراهیم اشاره کرد. [۳] .

شاخص های اخلاقی

عفو و گذشت، نیکی، بخشش، سخاوت و برآوردن نیاز حاجتمندان از جمله ویژگی های برجسته‌ی امام کاظم (ع) است. امام(ع)

همواره دوست دار کار خیر و تقرّب به خدای متعال بود. [۴] .

اثبات امامت

فیض بن مختار نقل می کند که به ابی عبدالله (ع) عرض کردم: دستم را بگیر و مرا از آتش جهنّم رهایی ده که ما پس از تو کسی را نداریم؟ در آن هنگام ابوابراهیم(ع) داخل شد، در حالی که پسر بچه بود، ابی عبدالله (ع) فرمود: این صاحب شماست، پس دامن او را بگیر و به او تمسّک کن. [۵] . به تحقیق بسیاری از علما همچون: صدوق، کلینی، طوسی، مفید و علمای دیگر روایات فراوانی نقل کرده اند که نص آن بر امامت امام کاظم (ع) دلالت می کند. نوبختی، [۶] امامت امام کاظم (ع) را به اجماع بیان کرده است: تمام اصحاب و یاران امام صادق (ع) بر امامت امام کاظم (ع) اجماع کرده اند. [۷] .

روش سیاسی امام

سیاست حضرت شیوه‌ی خاص خود را داشت: ۱. حضرت بر پیروی از راه و روش اهل بیت تأکید داشت؛ چرا که روش سیاسی و راه آشکار آن ها مبنی بر دوری کردن از ظلم و تنفّر و بیزاری از ظالمان است. حضرت بر اهمیّت رعایت این اصل از سوی شیعیان و دوستان سخت می گرفت و همکاری با حکومت عباسی را حرام فرموده بود. نحوه‌ی برخورد حضرت(ع) با صفوان جمّال کاشف از دقّت عمل امام(ع) در مورد تربیت سیاسی شیعیان و در حقیقت شاهدی روشن بر این ادعا است. حضرت وی را سرزنش کرد؛ چرا که او شتران خود را به هارون کرایه می داد. امام(ع) به او فرمود: ای صفوان هر چیزی از تو صادر می شود نیکو و زیبا است، مگر یک چیز؛ زمانی که صفوان بیشتر سؤال کرد، امام(ع) به او فرمود: کرایه دادن شترانت به هارون الرشید. پس از این گفت و گو صفوان شترانش را فروخت. ۲. امام(ع) به خاطر محافظت از مکتب شیعه بر تقیه کردن در آن زمان سفارش و تأکید نمود. محمّد بن خلاد در این باره می گوید: از اباالحسن موسی کاظم (ع) در مورد قیام کردن برای ولایت سؤال کردم، حضرت فرمود: ابوجعفر در این مورد فرمود: تقیه کردن، آیین من و آیین پدران من است، و هرکس که تقیه ندارد، ایمان ندارد. ۳. امام(ع) از طریق اصحاب و یارانش در دستگاه حکومت جایی پیدا کرده بود، چرا که اصحاب امام(ع) موقعیت های سیاسی مهمی در حکومت عباسی به دست آورده بودند، امام(ع) همواره با آن ها در مورد همکاری و برآوردن نیازها و حوایج مؤمنان شرط می کرد. از شیعیانی که در دستگاه حکومت عباسی بودند، می توان به: علی بن یقطین، حفص بن غیاث کوفی که امر قضاوت را در دست گرفته بود، اشاره کرد و فضل بن سلیمان نیز کاتب منصور، مهدی و محمّد بن اسماعیل بود. همچنان که در پست وزارت و والی نیز قرار گرفت. حسن بن راشد وزیر مهدی، هادی و رشید بود. و حال آن که افراد یاد شده از یاران و راویان حدیث امام کاظم (ع) به شمار می آیند. [۸] .

مدرسه علمیه امام و مسأله رهبری

به تحقیق امام صادق(ع) پیمان بسته بود که امامت را به فرزندش کاظم (ع) تحویل دهد؛ در این مورد امام صادق(ع) نزد یکی از اصحابش فرمود: به درستی که این فرزندم که تو او را دیدی، اگر از او آنچه در کتاب خداوند است، سؤال کنی، با آگاهی و علم پاسخ خواهد داد. [۹] . به تحقیق امام کاظم (ع) این امانت علمی را پس از پدر بزرگوارش در دست گرفت و به پا خاست تا وظایف سنگین امامت را ادا کند و نیز علوم دینی و شریعت را منتشر سازد. گروهی از علما، راویان و محدّثان را تعلیم و تربیت نمود. با وجود شدّت اختناق اوضاع سیاسی حاکم در آن زمان و فشاری که از سوی حاکمان بر امام وارد می شد، حضرت هرگز مسؤلیّت علمی خویش را رها نکرد از همین رو حضرت به کنترل تهاجم فرهنگی و علمی صورت گرفته از سوی ملحدان و کافران

زنـدیق موفق شـد. در کتـاب های رجال و تراجم به بیش از سیصد راوی که از امام کاظم (ع) نقل حـدیث می کردنـد، اشاره شـده است. [۱۰] .

شاگردان برجسته امام

به درستی که تاریخ علمی، مفتخرانه نـام برخی از شـاگردان جلیل، نمونه و هوشـمند امام کاظم(ع) را بیان می کنـد و به بسیاری از تألیفات و نوشته های آن ها گواهی می دهد. ۱. از جمله شاگردان فقیهِ امام کاظم(ع) می توان از: یونس بن عبـدالرحمان، صـفوان بن یحیی، محمد بن أبی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب سـراد و احمد بن محمّد بن أبی نصـیر یاد نمود. [۱۱] . ۲. از جمله شاگردان امام(ع) که در علم کلام صاحب تألیف می باشند به هشام بن حکم، علی بن سوید و محمّد بن سنان و... اشاره شده است.

ثابت کردن پایه های اساسی تفکر و تشریع

معارف و افکار امام هفتم(ع) و قاعـده های اساسـی برای ثبت قوانین و اسـتنباط مباحث فقهی در رساله ای توسط آن حضـرت آمده است. این رسـاله بنابر خواست خلیفه عبّاسـی هارون الرشـید نوشـته شـد. در این رساله دسـتورهای شـریعت و مسایل اعتقادی که در قرآن کریم و سنّت وجـود دارد، ثبت شـده است. [۱۲] . در این بـاره خطـاب به هشـام بن حکم می فرمایـد: ای هشام به درستی که خداونـد عزوجـل حجّت هـا را برای مردم به وسـیله عقـل هـا کامـل کرد، و به وسـیله بیـان، به آن هـا عطـای فراوان داد و آنان را بر ربوبیّتش به واسـطه دلیـل ها راهنمایی کرد. ای هشام، خداونـد فرمود که عقل بایـد همراه علم باشـد، چرا که وتلکَ الأمثالُ نَضـرِبُها للنّاس و مَایعقِلُها إلاّ العالمون [۱۳] ؛و این مثل ها را برای مردم می زنیم و[لی] جز دانشوران آن ها را در نیابند. [۱۴] .

موضع امام در قبال غلات

مسألهی غلو در مورد ائمه، مولود عصـر امـام کـاظم(ع) نیست؛ بلکه آغـاز این امر در زمان امیرالمؤمنین بوده است و شایـد دربارهی علّت آن بتوان گفت: علم و کرامـات علی (ع) از حـدّ ادراک و شـعور مردم فراتر بود. امّا در همه حال ائمه معصومین با این تفکّر به شـدت مخالفت کردنـد و حتی با آن جنگیدند و به شـیعیان امر فرمودند که از آن افراد دوری کنند، و از ازدواج با آن ها خودداری نمایند، آن ها را در قبرسـتان مسـلمین دفن نکنند، ذبح آنان خورده نشود و حتی حکم به نجاست آنان داده اند و هیچ حکم اسلامی را بر آن هـا جـاری نمی کردنـد. در زمـان امـام صـادق(ع) فرقه ای ظاهر شـد که بر الوهیت امام صادق(ع) مـدعی شـد. نام آن فرقه خطابیه است که منسوب به اصـحاب أبی الخطاب محمّـد بن ابی زینب الأسدی است. امام (ع) با او مخالفت کرد و علیه او قیام نمود و او را لعن فرمود و دسـتور داد مردم از او تبری جویند. با اینکه خطاب کشته و سوزانده شد، امّا دعوتش خاموش نگردید و شرارتی از آن آتش تا زمان امام کاظم (ع) باقی مانـد؛ همین امر باعث شد که محمّد بن بشـیر دوباره به این دعوت دامن بزند و الوهیت امام کـاظم (ع) را اعلاـن کنـد، امـا حضـرت(ع) او را لعـن فرمـود و از او متـبرّی شـد و علیـه او نفرین کرد و فرمـود: بارالهـا هرآینه از تو درخواست می کنم که مرا از این مرد پلید و نجس رهایی دهی.

نظر امام دربارهی قیاس

ائمه معصومین نسبت به آموزش احکام اهتمام ورزیـده و اهمیت فراوانی قائل شده اند و کتاب هایی در این باره تألیف کرده اند. با این وجود مردم به خصوص در زمان امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) دچار تشـتت و پراکنـدگی افکار شدنـد و گروه ها و مـذاهب گوناگونی ظاهر گردیـد و قیاسـی که در مکتب اهل البیت از آن نهی شده بود، رواج و گستردگی پیدا کرد، با اینکه ائمه معصومین

به صراحت تأکید فرمودند که: دین خداوند به وسیله‌ی عقل ها قیاس نمی شود. در مذهب اهل بیت جواز رجوع به قیاس صادر نشده است و حال آنکه تأکید بر این مسأله که هر چیزی که مردم نیاز دارند، در کتابی نزد آنان مرقوم است. [۱۵] .

شهادت امام کاظم

دستگیری امام

هارون الرشید آخرین خلیفه عبّاسی؛ سعی و تلاش فراوان داشت تا امام(ع) را به شهادت برساند، به همین منظور روش های گوناگون را به کار برد. از یک جهت شخصیت عالی و مقام بلند مرتبه امام (ع) او را سخت نگران کرده بود، و از جهت دیگر دوستی و محبّت به اهل بیت مردم را به آن خاندان الهی سخت وابسته نموده بود. در حقیقت کسی نبود که امام (ع) را نشناسد و از قدر و منزلت حضرت آگاه نباشد و به فرزند رسول خدا (ص) احترام نگذارد. این وضعیت هارون الرشید را نسبت به تخت و سلطنت خود بیمناک کرد. او برای دور نگه داشتن مردم از فرزند رسول خدا (ص) همواره حضرت را از زندانی به زندان دیگر منتقل کرد. امّا هر مرتبه آنچنان زندانبان ها تحت تأثیر شخصیت حضرت قرار می گرفتند که هارون الرشید آن ها را تنبیه و سرزنش می کرد. زمانی که فضل بن یحیی از دستور کشتن امام (ع) سرپیچی کرد، هارون او را برهنه نمود و صد تازیانه در مجلس عباس بن محمّد به او زد. [۱۶] . امام(ع) بارها در زندان بصره و بغداد بازداشت شد. حضرت کاظم (ع) روزها را در زندان روزه می گرفت و شب ها به عبادت خدا مشغول بود، و هیچ گاه اظهار ناراحتی، ناشکری و عدم رضایت نکرد، بلکه فارغ شدن برای عبادت خداوند را از بهترین نعمت ها می دانست. سومین بازداشت حضرت با نگهبانی سندی بن شاهك مصادف شد. هارون الرشید به سندی دستور داد تا عرصه را بر امام (ع) بسیار تنگ کند. آن مرد پلید و گناه کار در برابر امام خشونت و قساوت را به آخرین درجه رساند، امّا حضرت همچنان بردبار، محتسب و متوکّل بود. رشید به سندی دستور داد تا امام را به سه رطل آهن ببندد و در زندان را نیز قفل کند و فقط برای وضو به امام اجازه‌ی خروج دهد.

افتخار پل بغداد

هارون الرشید سندی بن شاهك را بر قتل امام کاظم (ع) تشویق کرد. سندی طعام حضرت را مسموم نمود. هنگامی که حضرت از آن غذا میل کرد، سم در بدن طاهر و پاکش جاری شد و در روز سوم مسمومیّت در زندان سندی، روح مقدسش، بدن را مفارقت نمود. روز بیست و پنجم رجب سال صد و هشتاد و سه هجری رقم خورد. سندی به نوکرانش دستور داد پیکر مطهر حضرت را حمل کنند و در بازارها بگردانند و بر پل شهر بغداد قرار دهند. او به یاران حضرت اجازه نداد که امام (ع) را تشییع کنند. حقیقت رفتار با امام کاظم (ع) بیان گر و کاشف قساوت و حقد و کینه‌ی دشمنان اهل بیت است. سلام بر تو ای سرور و مولای من در روزی که متولد شدی و جهان به نورت متبرّك شد و در روزی که در تاریکی زندان به درجه‌ی شهادت نایل شدی و روزی که حیّ و زنده مبعوث خواهی شد.

پاورقی

[۱] کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۷۷.
[۲] اعلام الهدایهٔ، ج ۹، ص ۱۷. دلایل الامامهٔ، ص ۳۰۳ ـ ۳۰۵ و الامام موسی الکاظم(ع) فی محنهٔ التاریخ، ص ۲۳ ـ ۱۷و سیرهٔ رسول الله(ص) ص ۳۲۸ و ۳۲۹ و بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۸ ـ ۱. الملل والنحل: ج ۶، ص ۴۸۵ و الفصول المهمهٔ، ج ۲، ص ۹۳۶ ـ

.۹۳۴

[۳] دلایل الامامهٔ، ص ۳۰۷ و منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۸۷ و مسند الامام الکاظم(ع)، ج ۱، ص ۶.

[۴] شیخ صدوق، امالی، ص ۴۵۸.

[۵] اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۱، ح ۱۶.

[۶] ابومحمد الحسن بن موسی نوبختی، متکلم و فیلسوف شیعه در قرن سوم و چهارم.

[۷] دفاع عن التشیع، ص ۲۲۰.

[۸] اعلام الهدایهٔ، ج ۹، ص ۱۴۶ ـ ۱۴۲.

[۹] محمد باقر مجلسی ۱، بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۴.]

[۱۰] سیرهٔ رسول الله(ص)، ص ۳۴۱ و ۳۴۲.

[۱۱] مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۵۰.

[۱۲] تحف العقول، ص ۴۰۷ و ۴۰۸.

[۱۳] العنکبوت، ۲۹: ۴۳.

[۱۴] تحف العقول، ص ۳۸۷ ـ ۳۸۴.

[۱۵] ر.ک؛ الامام موسی الکاظم(ع) فی محنهٔ التاریخ، ص ۲۱۰ ـ ۲۰۳.

[۱۶] سیرهٔ رسول الله(ص)، ج ۲، ص ۳۹۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹